

کارگران نفت، معادله را تغییر میدهند!

گفتگو با رحمان حسین زاده

از فرزانه زیلابی و کیل شرافتمند

کارگران هفت تپه حمایت کنیم!

اطلاعیه شماره یک



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۱ تیر ۱۴۰۰ - ۲ ژوئیه ۲۰۲۱

مروری بر نخستین اعتصاب خونین کارگران نفت

به بهانه پیام رضا پهلوی

صفحه ۷

جاوید حکیمی

پیام دفتر مرکزی حزب حکمتیست

در گذشت رفیق نعیم گروسی نژاد را تسلیت میگوییم

کابوس دوباره حکومت طلبان

صفحه ۱۰

نادر شریفی

میزگردهای شورای همکاری در باره

پیامدهای انتخابات در ایران و موقعیت جنبش کارگری

پیام همبستگی و تهدید به اعتصاب رانندگان حمل و نقل

جاده ای از کارگران نفت و گاز و پتروشیمی

اعتصاب نفت

تهدیدها و فرصت ها

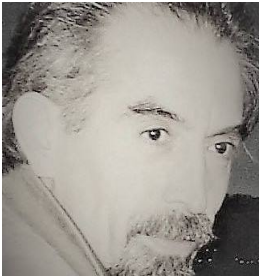
اعتصاب کارگران صنایع نفت به بیش از هفتاد مرکز و شرکت گسترش پیدا کرده و در عین حال با موانع، توطئه ها، جنگ منافع جناح ها و پیمانکاران و مدیران روبروست. سرنوشت اعتصاب جاری و پیشروی آن در گرو پس زدن سیاستهای ضد کارگری و تعیین تاکتیک های دقیق برای پیشروی است.

اهداف متناقض کارگران و کارفرمایان اعتصاب و اعتراض کارگران نفت روشن و بدون تفسیر است. خواست افزایش دستمزد، تغییر شیفت کار به بیست روز کار و ده روز مرخصی، الغای شرکتهای پیمانی و انعقاد قراردادهای مستقیم با وزارت نفت، امنیت شغلی و رفع تبعیض بین کارگران، خواستهای رفاهی مانند تعذیه و بهداشت محل کار و خوابگاه ها و سرویس های رفت و آمد تفسیربردار نیستند. تامین هربخش از اینها یا مستقیما و یا غیر مستقیم و در تحلیل نهائی، موقعیت بهتری به کارگران میدهد و میزان بسیار کمی از سود سرمایه داران متفرقه از شرکت نفت تا پیمانکاران و کارفرمایان متعدد را کاهش میدهد.

کارفرمایان نیز جنگ و رقابت خودشان را دارند، در جناح های حکومتی سنگر گرفتند و خرده حساب هایشان را نیز در

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



خجم پروژہ ہا بہ کارفرمایان خصوصی بیشتر شد. عبارتی دیگر، وزارت نفت سهم بیشتری بہ پیمانکاران و مدیران داد و آنها ہم مقداری از این سهم اضافی را بہ کارگران اعتصابی دادند و در بیشتر موارد زیر توافق شان زدند. در واقع در اعتصاب سال گذشتہ پیمانکاران بیشتر از کارگران اعتصابی سود بردند. تکرار این سناریو با انتشار

نامہ "انجمن صنفی کارفرمایی شرکتہای مهندسی و پیمانکاری نفت و گاز و پتروشیمی" بہ زنگنہ وزیر نفت مجدداً کلید خورد. در این نامہ کارفرمایان در مورد توقف پروژہ ہا ہشدار دادند و از وزیر نفت خواستند بہ مسئلہ اعتصاب "ورود" کند. ہمینطور اتمام حجت کردند کہ "پاسخگویی بہ درخواست ہای کارگران اعتصابی از توان شرکت ہای عضو انجمن ہا و سندیکاہای صنفی کارفرمایان از جملہ APEC کاملاً خارج است!"

تہدیدہا و فرصت ہا

سیاست سانسور دولتی و بی اعتنائی بہ اعتصاب بہ تنہائی جوابگو نیست چون ہر ساعت اعتصاب متحمل ضرر و زیان دولت و کارفرمایان است. ہمہ اعتصابیون را ہم نمیتوانند اخراج کنند چون تامین و جایگزینی نیروی فنی و متخصص در این سطح غیر ممکن است. ہر جا بتوانند بہ کارگران روزمرد، اورہال و حلقہ ہای ضعیف تر کہ جایگزینی شان سادہ تر است حملہ می کنند. لذا سیاست شان اینست کہ بسرعت و در ادامہ خواباندن اعتصاب نہم تیر کارکنان رسمی، اعتصاب جاری را نیز تمام کنند. قرار است داستان سال قبل تکرار شود، کارفرمایان سهم شیر را از اعتصاب کارگران ببرند و کارگران بہ ذرہ ای دریافتی بیشتر و چند وعدہ پوچ تا اطلاع ثانوی سر کار ہایشان برگردند. "ورود" زنگنہ یعنی وزارت نفت پول بیشتری بہ دوستان پیمانکارش بدهد تا آنها ہم ضمن اخراج و تصفیہ کارگران فعال و بلاک لیستی با دیگر کارگران سر حقوق ہا چاہہ بزنند. سرکوب اعتصاب و ایجاد تفرقہ میان کارگران و حملہ بہ مرکز ثقل قدرت آنها یعنی اتحاد ایجاد شدہ، سیاست روز کل حکومت و مدیران نفت و معدودی کارکنان رسمی است کہ بہ بوق کارفرما علیہ ہمکاران شان بدل شدند. بموازات اینہا امنیتی ہا ہم بیکار نیستند و با گسترش فضای تہدید و اختناق بازوی اصلی این سیاست ہستند.

تہدید دیگر مخدوش شدن چہرہ کارگران رسمی نفت توسط عدہ ای معدود رژیم و بورکرات و یقہ سفید است کہ تاریخا در جنبش کارگری در لایہ ہای فوقانی وجود داشتہ اند. کارگران رسمی ہنوز میتوانند این خسارت را جبران کنند. اعلام ہمبستگی با اعتصاب ہمکاران و حمایت از خواست آنها، فاصلہ گرفتن از سیاستہائی کہ کارگر نفت را سرباز رئیسی و خامنہ ای و نظام می کند، فائق آمدن بہ این شکاف و ترفند قصابی کارگران بہ ہویت ہای شغلی متفاوت ہنوز بر دوش کارکنان و کارگران شریف رسمی نفت است. سکوت آنها و یا لااقل عدم اعلام نظر رسمی و روشن، میتواند بہ معنای رضایت آنها از آنچه اتفاق می افتد و پشت کردن بہ ہمکارانشان در وسط اعتصاب ترجمہ شود. امری کہ لطمات جدی و زیانباری بہ جنبش کارگری عموماً و بہ سیمای سیاسی کارگر نفت میزند.

اعتصاب نفت

تہدیدہا و فرصت ہا ...

مجموعہ صنعت نفت تسویہ می کنند. وزارت نفت و پیمانکاران متفرقہ عملاً باہم کار می کنند و یک منشا دارند و بہ ہم نیاز دارند. اگر موضوع را سادہ کنیم میتوان اینطور گفت کہ وزارت نفت و دولت بجای اینکہ حقوق و مزایا و رفاهیات کارگر نفت و صنایع وابستہ را تامین کند، با تقسیم کارگران بہ موقعیت ہای حقوقی و قراردادی مختلف، با باصطلاح "برون سپاری" و در واقع واگذاری امور بہ اخوی ہایشان در شرکتہای پیمانی و تعریف سطح حقوق ہای متفاوت، کل ہزینہ کارگران نفت و بازتولید آنها را ارزانتتر و کل نرخ سود سرمایہ را افزایش می دہند. جنگ کارفرمایان متفرقہ دولتی و شبہ دولتی و نظامی و خصوصی برسر سهم ہر کدام از کل سود حاصل از استئمار خشن کارگران صنایع نفت است. در این جنگ تلاش میشود کہ بخشی از کارگران در سنگر کارفرمایان و بانداہای حکومتی و سپاہی بایستند. عبارتی جنگ مدیران سطح بالا و کارفرمایان در وزارت نفت، کہ از ابتدا تا بہ امروز ہمہ چیزش از حقوق و قوانین تا ساختار و نظام اداری و غیرہ با قوانین جاری حاکم بر عمدہ مراکز کارگری متفاوت بودہ، بخش دیگر جدال کنونی در صنعت نفت است. لایہ ای از کارکنان رسمی و متخصص و قدیمی نفت در این دعوا اساساً علیہ زنگنہ و در کنار رئیسی و کارفرمایان شرکتہای وابستہ بہ سپاہ ہستند. خط حاکم بہ سیاست این بخش اعتراض بہ اجرای قانونی است کہ در مورد حقوق ہای ۱۴۰۰ مشمول صنعت نفت نمی شود. دولت و مجلس و زنگنہ ہم وعدہ دادند کہ فی الفور و سریع این تبصرہ و قانونگرایی اشتباہ را تصحیح و اعتصاب نہم تیر ماہ کارکنان رسمی را منقہ و بخوابانند. دولت و مجلس و امنیتی ہا متاسفانہ و با ہمکاری و سکوت کارکنان رسمی نفت در این امر موفق شد.

کارگران رسمی نفت با ہر محاسبہ و دلیل اشتباہی روز نہم تیرماہ وارد اعتصاب نشدند و بیست روز آتی تیرماہ را بہ دولت و مجلس فرصت دادند کہ سطح حقوق ہای آنها برای سال ۱۴۰۰ را تغییر دہند. زنگنہ ہم وعدہ دادہ ہمہ اینہا در فیش حقوقی تیر ماہ منظور خواہد شد. اما در مورد افزایش حقوق کارگران قراردادی شرکتہای پیمانی و پروژہ ای و مهندسی، کہ در ہفتاد مرکز در اعتصاب اند چطور؟ از روحانی شیاد و جہانگیری سرمایہ دار تا زنگنہ قاتل کارگران گفتند: "بہ وزارت نفت مربوط نیست"، بہ شریعتمداری پاس دادند کہ طبق قوانین وزارت کار بہ خواستہا رسیدگی شود. گفتند خواستہا "فراقانونی" است، یعنی اعتصاب نتیجہ ندارد. در کنار آن امام جمعہ ہا و نیروہای امنیتی و پیمانکاران بخت شدند تا کارگران را با تہدید از ہرگونہ تجمع، قطع برق و آب و غذا و تسویہ حساب از خوابگاہہا بیرون کنند. لیست سیاہ امنیتی رضاشاہی موسم بہ بلاک لیست تہیہ کردند، چماق ہا در هوا می چرخد و اعتصاب در میدان مین ہنوز ادامہ دارد.

تکرار یک سناریو

در اعتصاب مرداد سال گذشتہ، بخشی از کارگران اعتصابی تنہا وقتی بہ میزانی از افزایش دستمزد بصورت مذاکرات انفرادی دست یافتند کہ پیمانکاران با وزارت نفت بہ توافق جدیدی رسیدند و سطح پرداخت ہا و



اعتصاب نفت

تهدیدها و فرصت ها ...

یک ارزیابی دیگر اینست که کارگران پیمانکاری و اعتصابی آلت دست پیمانکارانی شدند که برای زنگنه و وزارت نفت نقش مهره بازی رقابت جناحی را ایفا می کنند. این خط استدلالش را روی بافت وزارت نفت و قوانین خودویژه آن و روش کار متکی میکند و مدعی است که کارگران پیمانکار و اعتصابی اصولاً آشنا به روال کار نیستند. اساساً "خودجوش" بودن حرکات کارگران را زیر سوال می برد و مدعی است که کارگران پیمانی بیشتر "آب در هاون می کوبند اما برای زنگنه زعفران می ساینند!" این تحلیل خیلی جناحی است اگرچه از یک قدیمی کار نفتی و "آشنا به روال کار" طرح شده باشد. اگر حقیقتی در این نگرش باشد، این واقعیت است که کارفرمایان همواره میتوانند از اعتصاب و خواستهای برحق کارگران سواستفاده کنند. اما میدان بازی حکومتی ها و جناح ها تا این حد فراخ نیست که با نفت و اعتصاب نفت بازی کنند. حتماً تلاش شان را می کنند اما همه چیز در دست آنها نیست و هر حرکت دقیق و تاکتیک درست کارگران میتواند معادله را تغییر دهد.

اما هیچکدام از اینها اهمیت و نقش مهم اعتصاب نفت در سیاست ایران را تغییر نمیدهد. همبستگی بین المللی ایجاد شده حول اعتصاب نفت، حمایت صمیمانه کارگران جهان و منطقه تا بخشهای مختلف جنبش کارگری ایران و مردم دردمند، بسیار قویتر و ریشه دارتر است که پارازیت ها بتوانند اعتصاب را مخدوش کنند. واقعیت اینست که اعتصاب نفت در متن یک شرایط سیاسی بشدن ملتهب و انفجاری، در متن یک نارضایتی عمومی و کارگری اتفاق می افتد و تأثیرات آن نمیتواند محدود به بازی جناح ها و رقابت مدیران و پیمانکاران شود. دیروز رانندگان و کامیونداران کشور اعلام کردند که در حمایت از اعتصاب نفتی ها و برای خواستهای خود وارد اعتصاب می شوند و امروز کامیونداران زنجان اعتصاب را شروع کردند. فضای دعوت به اعتصاب میان بخشهای مختلف جامعه از کارگران حمل و نقل تا معلمان و بازنشستگان و کارگران نانوائی وجود دارد. اعتصاب نفت تا همین امروز به امواج اعتصابی و اعتراضی کمک کرده است و امید جدیدی آفریده است.

محدودیتها و کمبودهای اعتصاب نفت نباید از چشم پنهان بماند. اما این فرصت هنوز هست که حول اعتصاب نفت یک جنبش همبستگی و اعتصابی و توده ای راه انداخت. جنبشی که فی الحال مرزها را درنور دیده و حمایتهای جهانی و انترناسیونالیستی از کارگر نفت و جایگاه سیاسی کارگر نفت را بخوبی می شناسد و حتی براین باور است که کارگران ایران میتوانند ساختارهای تاکتونی روابط کار و سرمایه در منطقه را دگرگون کنند. یک سیاست رادیکال کارگری بدون اما و اگر از اعتصاب نفت و خواستهای آنان حمایت می کند؛ جایگاه و نقش اعتصاب نفت را در تشکل یابی و اتحاد کارگری و سیاست ایران می شناسد و در عین حال علیه موانع و دشمنان قسم خورده طبقاتی کارگران هشیارانه عمل می کند. وظیفه فوری و بلافصل امروز اینست که اعتصاب نفت را میان تهدیدهای واقعی تنها نگذاریم و از فرصت ایجاد شده بهترین سود را بنفع تشکل و اتحاد بخشهای مختلف طبقه کارگر حول افزایش دستمزدها، کاهش ساعات کار و شیفت کار، امنیت شغلی و نفی خصوصی سازی و شرکتهای پیمانی و زالوهای واسطه بیشتر همگانی کنیم. برای این مهم راهی نیست جز آنکه کارگران به سنت قدیمی و شورانی خود متکی شوند، تنها خرد جمعی و حرکت از منفعت واحد میتواند میسر اتحاد قوی کارگری باشد. تنها رجوع به امر عمومی و قدرت جمعی میتواند نافی توطئه ها و ترفندهای جبهه درون طبقاتی بورژواها بر علیه کارگران و سواستفاده آنها از اعتصاب باشد. کارگر نفت در هر حال ناچار است منفعت آبی و آبی خود را در اتحاد و قدرت خود جستجو کند. زمان برای وعده و تهدید و تطمیع گذشته است. درود بر اتحاد و رزم کارگران نفت!

سردبیر

۱۱ تیر ۱۴۰۰

کارگران در اعتراضات به مجمع عمومی متکی شوید!

جنبش مجمع عمومی کارگری را گسترش دهید!

مرگ بر جمهوری اسلامی!



نداده است.

نکته قابل توجه دیگر اینکه کارگران نفت از تحرک و تجارب مهم مبارزات کارگری پنج ساله اخیر و برجسته تر از بقیه، از مبارزات کارگران هفت تپه تأثیر گرفته و صمیمانه آن را هم بیان کرده اند.

مسئله مهم دیگر بعد از شکست بزرگ رژیم از مردم در مضحکه "انتخابات" این اعتصاب بزرگ و امید بخش به میدان آمده و در واقع مهمترین بخش طبقه کارگر با اعتصاب و اعتراض، پاسخ کوبنده تری به مانور "یک دست کردن حاکمیت" و رئیس جمهور جلاد آن داده است.

و نهایتاً کارگران پیمانی نفت در شرایطی این اعتصاب بزرگ و گسترده را به صحنه کشیدند، که کارگران قرارداد رسمی و دایمی نفت برای روز نهم تیر فراخوان به اعتصاب سراسری داده اند. به این ترتیب همگامی و اتحاد مبارزاتی بخشهای مختلف کارگران نفت برجسته میشود، از نظر من این مجموعه فاکتورها شرایط وقوع این اعتصاب بزرگ و بیاد ماندنی را فراهم کرده است.

ابوبکر شریف زاده : جایگاه و اهمیت سیاسی و مبارزاتی آن را چگونه می بینید؟

رحمان حسین زاده: تردیدی نیست، اهمیت بالایی دارد. هرکس متوجه جایگاه مهم صنعت نفت در اقتصاد و تولید ایران باشد، متوجه توقف تولید و اعتصاب کارگران در این صنعت کلیدی اقتصاد ایران هست. لازم به توضیح نیست که اعتصاب کارگران در نفت به معنی فشردن گلوی سرمایه داری حاکم و جمهوری اسلامی است. نسل ما که در تحول انقلابی سال ۱۳۵۷ حضور داشتیم، به خوبی به یاد داریم، "کارگرنفت ما، رهبر سرسخت ما" گلوی رژیم سرمایه سلطنتی را گرفت و خفه اش کرد. بالاتر هم اشاره کردم، تحرک مبارزاتی یکسال گذشته و به ویژه اعتصاب بزرگ و بی نظیر اخیر، بعد از یک دوره سکون و عدم تحرک مبارزاتی در میان کارگران نفت تحول بسیار مهم و تعیین کننده علیه بورژوازی حاکم و به همین دلیل سران جمهوری اسلامی سراسیمه شده و هذیان میگویند. جنبه مهم دیگر اتحاد و همبستگی در بین بخشها و واحدهای مختلف صنعت بزرگ نفت نضج گرفته است و محکم شدن این اتحاد و ادامه کاری آن بسیار نوید بخش است. در عین حال به میدان آمدن غول خفته قدرت کارگران نفت توان و اعتماد بنفیس بسیار بالایی به کل طبقه کارگر ایران میبخشد. مهمتر پرولتاریای صنعتی نفت ایران به لحاظ کمی و کیفی از موقعیت عینی به عهده گرفتن رهبری کل طبقه کارگر را دارد. ما وارد دوره ای شدیم، عروج و تثبیت رهبری کارگری بر کل جنبش طبقه کارگر و کل جنبش اعتراضی معطوف به جارو کردن حاکمیت سرمایه و جمهوری اسلامی، از نان شب واجب تر است. کارگر نفت و مشخصاً بخش سوسیالیست و پیشرو کارگران نفت متوجه این رسالت طبقاتی و تاریخی خود هستند و لازمست با پلاتفرم روشن و متکی به سازمان توده ای اعمال اراده مستقیم کارگران این رسالت را به سرانجام رسانند.

ابوبکر شریف زاده : پاسخ تاکتونی کارفرمایان و دولت

کارگران نفت، معادله را تغییر میدهند!

گفتگو با رحمان حسین زاده

ابوبکر شریف زاده : اعتصاب بزرگ کارگران نفت در جریان است و نگاهها به آن دوخته شده، در چه شرایطی این اعتصاب بزرگ اتفاق افتاده است؟

رحمان حسین زاده: مؤلفه های مختلفی در شرایط وقوع اعتصاب بزرگ و همبسته حدود ۷۰ مرکز کارگران نفت و پتروشیمی ها قابل توجه اند. در شرایطی که معیشت و سلامت کل طبقه کارگر و اکثریت عظیم شهروندان جامعه نه تنها تأمین نیست، بلکه در ورطه نابودی است. در وضعیتی که یک سال و نیم اخیر بلای کرونا علاوه بر بلای جمهوری اسلامی عدم تأمین معیشت و سلامت را به مرحله خطرناکی رسانده است. این وضعیت مستقیماً بر شرایط زندگی هزاران کارگر صنعتی ترین و کلیدی ترین بخش طبقه کارگر هم تأثیر مخرب گذاشته است. این بخش از طبقه کارگر، به ویژه قسمت کارگران رسمی و دایمی، ظاهراً از حقوقها و مزایای بالاتر نسبت به دیگر بخشهای طبقه کارگر برخوردار بودند، نفس اینکه شاغل بودند و سرکار میرفتند، این تأثیر را داشت که در سالهای اخیر تحرک مبارزاتی از آنها دیده نمیشد. این نگرانی بارها اعلام میشد که چرا کارگران نفت به مثابه بخش کلیدی طبقه کارگر با سابقه درخشان مبارزاتی تحرکی ندارند؟! اما شرایط معیشتی و سلامتی و وضعیت سخت زندگی این بخش مهم کارگری را در یکسال اخیر به تحرک مبارزاتی مهم سوق داده است. در تیر و مرداد سال گذشته نزدیک به ۵۲ مرکز کارگری نفت و پتروشیمی ها همزمان دست به اعتصاب زدند. در نهم تیرماه سال قبل جلوه مجلس تجمع اعتراضی برگزار کردند. اعتصابات بزرگ اخیر در شرایط ویژه امروز و برای تحقق خواسته های پاسخ نگرفته سال قبل و به درجه ای در ادامه آن اعتصابات، اما گسترده تر، و قدرتمند تر در جریان است.

به علاوه در شرایطی این اعتصاب بزرگ و گسترده همزمان در هفتاد مرکز کارگری اتفاق میافتد که کارگران توانسته اند بر ترفند دسته بندی و تفرقه شغلی در میان کارگران نفت، به درجه ای فایق آیند. بیش از سه دهه است جمهوری اسلامی صفوف کارگران صنعت نفت و پتروشیمی ها را به عناوین مختلف شقه شقه کرده است. از جمله بخش کارگران قرارداد دایمی، بخش کارگران قرارداد موقت و بخش وسیع تر یعنی کارگران پیمانی که حتی امکان بستن همان قرارداد موقت را مستقیماً با شرکت نفت ندارند، بلکه با پیمانکاران حریص و با پایین ترین حقوق و کمترین مزایا باید تن به کار بدهند. اساس این تفرقه، تشدید استثمار و سودپرستی و مانع تراشی در مقابل اتحاد کارگری و مبارزاتی بوده، که کارگران بیش از پیش این توطئه ضد کارگری را شناختند. در یکسال اخیر و در اعتصاب بزرگ کنونی همگامی طبقاتی و مبارزاتی این بخشها را شاهدیم. به علاوه فشار و محدودیت بر کارگران نفت چنان بوده که جمهوری اسلامی از کوچکترین اتحاد و نزدیکی در میان کارگران نفت وحشت دارد، به نحوی که حتی در صنعت نفت از ایجاد تشکلهای زرد و ضد کارگری مثل شوراهای اسلامی هم نگران بوده و اجازه فعالیت به این نهادهای رژیمی را هم

کارگران نفت،

معادله را تغییر میدهند ...

چگونه بوده است؟

رحمان حسین زاده: موانع و کارشکنی و وعده های بی پایه و تفرقه اندازانه دولت علیه شکل گیری اعتصاب نهم تیرماه در جریان است. امیدوارم کارگران آگاه و پیشرو بخش قرارداد رسمی بتوانند این شگردها را خنثی کنند. برپایی اعتصاب روز نهم تیر و همگام شدن اعتصاب جاری کارگران پیمانی و کارگران قرارداد رسمی علاوه بر قدرتمند تر شدن کل اعتصاب، برای محکم کردن اتحاد کنونی و آتی کل کارگران نفت اهمیت جدی دارد. به علاوه در داخل کشور ضروری است، حمایت‌های دیگر بخش‌های کارگری از مراکز و رشته های مختلف و دیگر جنبش‌های اجتماعی رادیکال و متحد طبقه کارگر را گسترش داد. تاکنون بعضی از مراکز کارگری، نهادها و تشکلهای مدافع حقوق کارگران همبستگی خود را با کارگران نفت اعلام کردند. در خارج کشور نیز نیروهای چپ و کمونیست، بسیاری از سازمانهای کارگری و فعالین و شخصیتها به چنین حمایتی روی آوردند، آکسیونهای حمایتی صورت گرفته و یا برای روزهای آینده سازماندهی شده و انجام میشود. جا دارد این حمایتها را در روز نهم تیر ماه تشدید کرد.

آنچه کارگران و همه باید به آن توجه کنیم وارد دوره جدیدی از جدال طبقاتی و سیاسی در جامعه ایران شدیم. سرمایه داری حاکم و جمهوری اسلامی ظاهرا با "یکدست کردن ساختار حکومتی" در صدد است همه اهرمهای توطئه، شگرد و تهدید و تطمیع و سرکوب را برای عقب راندن طبقه کارگر و مردم به میدان آمده بکار گیرد. در وهله اول در نظر دارد نه تنها خطر جنبش کارگری و توده ای را از سر بگذراند، بلکه اگر بتواند جنبش ما را به قبل از دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ برگرداند. اما این "اگری" سخت است که نمیتواند از عهده اش برآید. حرکت توفنده نزدیک به هفتاد مرکز کارگری نفت درست در روزهای بعد از مضحکه "انتخابات" نشانه به کار افتادن اهرمهای قدرتمند طبقه کارگر، آن هم از درون کلیدی ترین بخش پرولتاریای صنعتی ایران، برای عقب راندن سرمایه و رژیم حاکم و برهم زدن بساط چپاول و استثمار و تعرض به حقوق کارگران است. در این دوره جدید سیاسی گسترش جنبش اعتصابی کارگران و همزمان به میدان آمدن و گسترش جنبش اعتراض شهری مشابه دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ و گسترده تر از آن دوره راه اساسی مقابله کردن با دشمنان طبقاتی و در رأس آن جمهوری اسلامی است. در این راستا محکم شدن رابطه مبارزاتی رهبران و پیشروان کارگری از مراکز کارگری مختلف با هم و با رهبران و فعالین موثر در راه اندازی جنبش اعتراض توده ای و با پیشروان دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال بسیار تعیین کننده است. دوره آن است شبکه رهبران آگاه و سوسیالیست از درون مراکز کارگری و محلات و شهرها گامهای مبارزاتی مشترک، متکی به خط مشی و سیاست و شعارهای روشن و متحد کننده را در پیش گیرند. در جهت تامین رهبری فرا رشته ای و کارخانه ای و محلی و به این معنا تامین رهبری سراسری تر جنبش کارگری و توده ای گام بردارند. کلید مسئله تامین رهبری موثر و رادیکال جنبش کارگری و توده ای است. اما چنین رهبری از هم اکنون باید به سازمان توده ای اعتراض و مبارزه متکی باشد. تجربه قدیم و جدید به ما میگوید برپایی مجمع عمومی در هر مرکز کارگری و تولیدی، در هر محله ای در شهرها پایه اساسی متشکل شدن کارگران هر واحد تولیدی و توده مردم معترض هر محله است. در مجامع عمومی به قول کارگران نیشکر هفت تپه "خرد جمعی" به اراده متحد و جمعی کارگران و مردم برای گرفتن حقوقمان و پیشبرد مبارزه مان تبدیل میشود. اعمال اراده مستقیم کارگران و مردم اجرایی میشود. گام مهم برای ایجاد شوراهای پایه در محل کار و زیست

رحمان حسین زاده: بی پاسخی! تا این لحظه که ما داریم در این مورد صحبت میکنیم، بی پاسخی و استیصال و تلاشهای توطئه گرانه، عکس العمل اصلی دولت و سران سه قوا و کارفرمایان در مقابل اعتصاب نزدیک به هفتاد مرکز تولیدی نفت و پتروشیمی است. به ویژه هر روزه گسترش دامنه اعتصاب و حمایتهای وسیعی که از بخشهای دیگر کارگری، از جانب نهادها و تشکلهای فعالین دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال از این حرکت به عمل آمده، حمایتهایی که در سطح بین المللی صورت گرفته، انعکاس وسیع تبلیغی آن در سطح دنیا ترس و سراسیمگی قابل مشاهده ای به هیئت حاکمه جمهوری اسلامی تحمیل کرده است. جلسه یکشنبه ششم تیر سران سه قوا و هذبانات تفرقه افکنانه و نخ نمای زنگنه وزیر نفت این رژیم ضد کارگر، نشانه استیصال و بی پاسخی شان است. زنگنه از یک طرف وعده، وعدههای پوچ به کارگران رسمی میدهد و حالت انتظار در میان آنها ایجاد میکند، تا در مقابل اعتصاب روز نهم تیرماه آنها مانع ایجاد و کاری کند، کنشش کنند و از طرف دیگر به هزاران کارگر پیمانی بیشرمانه اعلام میکند، مشکلات آنها به شرکت نفت مربوط نیست و آنها با پیمانکاران طرفند. به این ترتیب بی مسئولیتی دولت در مقابل معضل حقوق و معیشت هزاران کارگر را نشان میدهد.

ابوبکر شریف زاده: از توطئه ها علیه کارگران صحبت کردید، چه توطئه هایی و چگونه در جریان است؟

رحمان حسین زاده: سران وحشت زده جمهوری اسلامی بی توطئه ننشسته اند. با شگردهای شناخته شده وارد شده اند. عوامل و اهرمهای ضد کارگری را به کار گرفته اند. از جمله در آغاز این اعتصاب بزرگ، به اصطلاح اعلامیه ای به نام "کارگران رسمی" را پخش کرده و در آن "اعتصاب را تقبیح کرده" که گویا فوراً به دنبال مضحکه "انتخابات" نمی بایست اینکار صورت بگیرد. معلومه این توطئه تفرقه افکنانه به کارگران رسمی که اولاً به وضوح از اعتصاب کارگران پیمانی حمایت کرده، و ثانياً خودشان روز نهم تیرماه را برای اعتصاب سراسری اعلام کرده، مربوط نیست. اقدام توطئه گرانه دیگر مقامات حکومتی را به میان کارگران میفرستند و وعده های توخالی برای سد کردن اعتصاب را میدهند. به علاوه همین وعده های توخالی زنگنه به کارگران رسمی و همزمان حواله دادن کارگران پیمانی به پیمانکاران اساسس ایجاد تفرقه در میان کارگران نفت است. عوامل کارفرمایی، دولتی در میان خود کارگران پیدا میشوند و در جهت شکستن اعتصاب حرکت میکنند. اعتصاب شکنی همیشه یکی از شگردهای شناخته شده و رسوا در مبارزات کارگری بوده و در این مورد هم لازمست خنثی شود.

ابوبکر شریف زاده: نهم تیر و فراخوان اعتصاب سراسری کارگران نفت مطرح است؟ در این رابطه و کلا در حمایت از مبارزات کارگران نفت، فراخوان شما چیست؟

از فرزانه زیلابی وکیل شرافتمند کارگران

هفت تپه حمایت کنیم!

اطلاعیه شماره یک

فرزانه زیلابی وکیل مدافع کارگران مبارز هفت تپه است که در پرونده هائی که توسط نیروهای امنیتی برای رهبران کارگری درست شده است، بعنوان وکیل مدافع کارگران از حقوق آنها دفاع کرده است. کارگران هفت تپه بدلیل مبارزاتشان در سالهای گذشته، بیش از دویست پرونده قضائی در دادگاههای شوش و اهواز و شهرهای دیگر دارند.

سرکوب کارگران هفت تپه، دستگیری نمایندگان کارگران، آزار و شکنجه آنها یک روال کار دولت جمهوری اسلامی و حامیان کارفرمایان هفت تپه بوده است. کارگران هفت تپه علیرغم سرکوبهای مکرر، موفق شدند خواستههای خود را بخشا به کرسی بنشانند و از همه مهمتر نهادهای زیربط حکومتی را وادار به خلع ید از کارفرمای بخش خصوصی کنند. بدنبال این واقعه تهدید کارگران بصورت فردی، پرووکاسیون علیه آنان، قطع آب بر روی مزارع نیسکر، فروش اموال شرکت، حمله فیزیکی با اسلحه سرد به برخی از فعالین کارگری شروع شد. در ادامه وکیل کارگران را تحت فشار قرار دادند و برای وی نیز پرونده سازی کردند. برای خانم فرزانه زیلابی که صرفا بعنوان یک وکیل از حقوق کارگر در چهارچوب قانون دفاع کرده است، اتهاماتی نظیر «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی جهت اقدام علیه امنیت ملی» منتسب کردند و در دادرسی اهواز برای وی پرونده قضائی تشکیل دادند.

در واکنش به احضار فرزانه زیلابی وکیل مدافع پرونده هفت تپه، تعدادی از وکلای دادگستری روز جمعه، ۲۴ اردیبهشت، در بیانیه‌ای با انتقاد از احضار خانم زیلابی، اساس تشکیل پرونده اخیر علیه او را «دفاع از مطالبات بر حق کارگران هفت تپه و انجام وظایف وکالتی در دفاع از برخی متهمان این پرونده» اعلام کردند. همینطور ناصر زرافشان، وکیل فرزانه زیلابی در گفتگویی با «امتداد»، اظهار داشت: «پرونده موکل من در حال حاضر در شعبه دوازده بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب اهواز قرار دارد. خانم زیلابی که برای پیگیری وضعیت پرونده به دفتر کل مراجعه کرده، عنوان کردند که دسترسی به پرونده نداشته و اطلاعی از کم و کیف آن ندارند. چرا که ظاهرا روی پرونده، تیک محرمانه بوده و تا زمانی که آن را برندارند، دفتر کل نیز در جریان قرار نمی‌گیرد.»

ما از اتحادیه‌ها و سازمانهای کارگری، احزاب چپ و سوسیالیست، کانونهای وکلا در اروپا و جهان می‌خواهیم که با اعتراض و اعمال فشار به جمهوری اسلامی، پرونده سازی برای فرزانه زیلابی را محکوم و خواهان رفع فوری اتهام از وی شوند. سرکوب وکیل کارگران و همینطور زندانی کردن زن مبارز و حامی کارگران هفت تپه «سپیده قلیان» را محکوم و خواهان رفع اتهام از آنها شوید. از مبارزات کارگران ایران برای حقوق پایه ای خویش از جمله حق تشکل و اعتصاب و آزادی کلیه زندانیان سیاسی حمایت کنید. همبستگی کارگری مرز نمی‌شناسد!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱ ژوئیه ۲۰۲۱

کارگران نفت،

معادله را تغییر میدهند ...

برداشته میشود. تامین رهبری سراسری موثر و رادیکال جنبش کارگری و توده ای و ایجاد سازمان توده ای متحد کننده کارگران و مردم در هر مرکز کارگری و در هر محله دو اهرم اساسی جبهه کارگر و مردم در مصاف اساسی با بورژوازی حاکم و حاکمیت هار اسلامی است. این دو اهرم اساسی جنبش و مبارزه مان را باید حدادی و آماده تر کنیم.

در خاتمه اعتصاب نزدیک به هفتاد مرکز کارگری نفت و پتروشیمی ها تا هم اکنون دستار بزرگ جنبش طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی است. تا هم اکنون معادله سیاسی و مبارزاتی را تغییر داده است. گسترش موثر آن و به ویژه دستیابی به خواسته های ایندوره شان معادله و تناسب قوا را به نحو موثرتری تغییر میدهد. شرایط برای پیشرویهای تعیین کننده تر را فراهم میکند. درود بر عزم و اراده و اعتصاب و مبارزه کارگران نفت و پتروشیمی ها. *



از فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!

دشمنان کارگران هفت تپه، نهادهای حکومتی و امنیتی، برای فرزانه زیلابی وکیل شرافتمند کارگران هفت تپه پرونده سازی کرده اند. فرزانه زیلابی تنها بعنوان یک وکیل از کارگران هفت تپه صمیمانه حمایت کرده است. اما به همین دلیل به وی انواع اتهامات واهی منتسب کردند. پرونده خانم زیلابی علامت "محرمانه" خورده و حتی خود وی از چند و چون اتهامات اطلاع ندارد.

این اقدام انتقام از کارگران هفت تپه و سرکوب وکلای شرافتمندی است که از مردم کارگر و زحمتکش دفاع می‌کنند. از فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمک مالی کنید!

مروری بر نخستین اعتصاب خونین

کارگران نفت

به بهانه پیام رضا پهلوی

جاوید حکیمی



ملحق می‌کرد. کارگران اخراج شده مدتی بیکار گشته، علاوه بر اینکه ذخیره ای را که در نتیجه مدت‌ها جان کندن عایدشان شده بود خرج احتیاجات عائله می‌کردند و کلیه ی اثاثیه خانه را به قیمت ناچیزی به کسبه بی انصاف خوزستان فروخته، بالاخره مستاصل شده برای درخواست کار مجدداً به اداره استخدام شرکت مراجعه می‌کردند.

مامورین اداره استخدام پاسخ می دادند شرکت همچنان کاری ندارد، ولی چون صاحب «رئیس قسمت» از شما راضی است ما می‌توانیم شما را با حقوق کمتر استخدام کنیم به شرط آنکه کوشش کنید همیشه رضایت و نظر صاحب را جلب کنید. منظور از جلب نظر صاحب این بود که از شدت و سختی کار و قلت حقوق شکایت نداشته باشند. کارگران مستاصل و درمانده شرایط غیرقابل قبول و کمرشکن شرکت نفت را ظاهراً قبول کرده برای تهیه قوت لایموت عائله شان با حقوق ناچیز مشغول کار میشدند.

پس از استخدام مجدد، کارگر دیگر برده مطلق بود چرا که با مشاهده کوچکترین اعتراضی، وی را اخراج و نامش را این بار وارد لیست سیاه می کردند. بلک لیست ها حق استخدام مجدد را برای همیشه از دست می دادند. در سال ۱۳۰۸ یعنی سال اعتصاب، آمار بلک لیست ها فقط در آبادان پانصد نفر بود.

امروزه به این شیوه دغلكاری برای مکیدن خرب شیره جان انسان ها می گویند خصوصی سازی و به کارگران فاقد هرگونه حق و حقوقی می گویند پیمانی و قراردادی. چنانکه ملاحظه می کنید خوی درندگی استثماریان سلطنت طلب و ولایت مدار صد سال است تغییری نکرده اما فرهنگ و آژگان پارسی و عربی شان چرا.

شرایط زیست کارگران نفت این تولیدکنندگان طلای سیاه در آن سالها دون شان انسان و حتی حیوانات بود. محله کارگران (احمدآباد) به علت نداشتن آب و مستراح به قدری کثیف و متعفن بود که اغلب امراض از آنجا شیوع پیدا می‌کرد. فاصله محل سکونت عده ای از کارگران تا تصفیه خانه آبادان بیشتر از دو کیلومتر بود. کارگران مجبور بودند در آن هوای گرم و طاقت فرسای خوزستان این راه طولانی را پیاده طی نمایند. ظاهراً ساعت کار شرکت نفت انگلیس و ایران روزی هشت ساعت بوده ولی از روی حساب دقیق روزی یازده ساعت وقت کارگران در کارخانه و بین راه تلف میشد. در گرمای شدید و سوزان خوزستان روزی یازده ساعت کار کردن بسیار مشکل و حتی از قدرت هر حیوانی خارج بود. فقط انسانهای اسیر و گرفتار از روی اجبار تحمل آن شداید و سختی را مینمودند. در اغلب نقاط خوزستان مخصوصاً در فصل تابستان، زندگی بدون یخ و آب خنک بسیار مشکل و گاهی طاقت فرساست علی الخصوص برای کارگرانی که مجبورند روزی هشت ساعت زیر آفتاب سوزان برای تأمین حداقل معاش عائله خود پرمشقت ترین کارها را انجام دهند. شرکت نفت انگلیس و ایران با اینکه در آن تاریخ کارخانه یخ داشت و میتوانست در موقع انجام کار یخ کارگران را تأمین نماید، لیکن آن را از کارگران دریغ می کرد. این کمپانی متمدن و بشردوست! کارگران را از آشامیدن آب خنک نیز محروم کرده بود سهل است آب آشامیدنی تصفیه شده هم

صفحه ۸

اعتصابات اخیر کارگران نفت خونی تازه در رگهای توده های عصیانگر به جریان انداخته است. جامعه به تجربه در تحرک و اعتراض نفتی ها بارقه ای از امید به پیروزی و تحقق آزادی و برابری می بیند. پیام مادران دادخواه این داغدیدگان و زخم خوردگان تاریخ نیز نشانه باور آنان به توانایی کارگران در برچیدن بساط ظلم و بیعدالتی است. اعلام حمایت سایر بخش های کارگری از اعتصاب نفتی ها جلوه با شکوه دیگری است از همبستگی طبقاتی و انسانی.

"از کارگران هفت_تپه به کارگران نفت:

"با پوست و گوشت و خون‌مان درد و رنج شما را لمس کرده ایم و می‌فهمیم پس بدانید به یادتان، کنارتان و صدایتان هستیم. تنها تحفه ای که داریم پیشکش، یک دسته ساقه نیشکر سبز به سبزی جان های شیفته شما عزیزان و شعار "کارگر نفت و گاز اتحاد اتحاد" است. پیروزیتان را آرزومندیم!"

اما رضا پهلوی نیز در پیامی کوتاه با کارگران نفت ابراز همراهی و همدلی کردند. ایشان بدون اشاره مستقیم به هیچ مطالبه ای، صرفاً از پیگیری کارگران برای رسیدن به حقوق خویش البته با تکیه بر "نافرمانی مدنی" اظهار خرسندی نمودند. همین ابراز همبستگی و همین و تاکید بر "نافرمانی مدنی" ما را بر آن داشت تا نقی بزیم به گذشته و مروری کنیم بر چرایی نخستین اعتصاب کارگران نفت و نحوه برخورد حکومت وقت با آنان. هر چه باشد ایشان پرشورترین و ذینفع ترین مدافع بازگشت به گذشته است؛ گذاشته ای که هوادارانش آن را با جار زدن "رضا شاه روحش شاد" به مردم و به ویژه کارگران وعده می دهند.

نخستین اعتصاب کارگران نفت سال ۱۳۰۸ و در زمان رضا شاه "روحش شاد" اتفاق افتاد. آن روزها نه ولی فقیه بود، نه شیخ الوزرایی، نه پیمانکاری و نه کسی می دانست ننولیرالیزم یعنی چه. خلاصه ایران دست ایرانیان یعنی رضا شاه بود. با این همه نحوه استخدام کارگران، شدت استثمارشان و شیوه های مقابله شاه با اعتراضات، همدلی و همبستگی نبود سهل است به طرز حیرت انگیزی با سرکوبگران معاصر شباهت داشت.

ابتدا از روش های تضییع حقوق کارگران از همان بدو استخدام بگوئیم. در کتاب خاطرات یوسف افتخاری چنین می خوانیم:

تقلیل حقوق؛ طریق فوق عبارت بود از اخراج مداوم عده اد از کارگران شعبات مختلف و تشکیل اردوی بیکاران و بعد از مدتی مجدداً استخدام سالمترین و قویترین آنان با مبلغی به مراتب کمتر از حقوق سابق. مقامات به بهانه ی اینکه کار کم شده و احتیاج به عده ای از کارگران ندارند، کارگران را از کارخانه اخراج کرده و آنان را به اردوی بیکاران

مروری بر نخستین اعتصاب خونین

کارگران نفت ...

در اختیار کارگران نمی گذاشت. کارگران مجبور میشدند در سر کار موقع تولید ثروت، آب گل آلود و نفت آلود بیآشامند. آب آشامیدنی کارگران علاوه بر معایب بالا گرم هم بود. کارگرانی که قادر به تهیه یک ظرف کوزه و یا یک کیسه برزنتی بودند، میتوانستند به وسیله آن آب را نسبتاً خنک و تصفیه نمایند. عده این قبیل کارگران بسیار معدود بود و اکثر آنان به واسطه قلت دستمزد قادر به تهیه کوزه آبی نبودند. کارگرانی که توانسته بودند کوزه تهیه نمایند در نظر رفقایشان جزو اعیان محسوب شده و انگشت نما بودند.

شرکت نفت برای سوانح غیرمترقبه کارگران هیچگونه پیش بینی نکرده بود. کارگرانی که در حین انجام کار صدمه دیده و ناقص‌العضو می شدند، بدون دریافت دیناری از بابت خسارت از کار اخراج می گشتند. اغلب عده زیادی گدا و سبزی فروش و دستفروش نظر هر تازه واردی را جلب میکرد که تمام آنها بدون استثناء در کار شرکت نفت ناقص شده و از کارخانه اخراج شده بودند.

به گفته یوسف افتخاری، آن وضعیت آتش زیر خاکستر بود و کارگران آماده انفجار؛ همچنانکه امروز.

اتحادیه کارگران نفت در خوزستان به کوشش یوسف افتخاری، رحیم همدانی، شعبان کاوه، وفایی و چند تن دیگر پایه ریزی شد و به سرعت میان کارگران ارج و قربی یافت. اتحادیه به اهمیت نقش و جایگاه زنان واقف بود و در سازماندهی و متشکل ساختن آنان نیز به رغم موانع و مشکلات بی شمار همت گماشت. هر فعال اتحادیه موظف بود به امر آموزش و انتقال آگاهی کل خانواده های کارگران بپردازد و نه فقط باصطلاح سرپرست خانواده. هم از اینروست که اکنون از پس خاطره آن نخستین اعتصاب شکوهمند، کنار یوسف، نام زهرا نیز در تاریخ جنبش کارگری جاودانه شده است.

باری از ۱۳۰۶ زمان ورود یوسف افتخاری به خوزستان تا سیزده اردیبهشت ۱۳۰۸ لحظه آغاز اعتصاب، مدت زمانی بود که کارگران توانستند تشکل مستقل خویش را ساخته و بر بستر خشم و نارضایتی انباشته شده، مترصد لحظه مناسب برای نبرد سهمگین و سرنوشت ساز گردند.

در آن موقع مذاکراتی درباره نفت شروع شده بود. انگلیسیها میبایست بعد از سی سال تاسیسات را تحویل ایران میدادند و مرخص بشوند و دیگر ادعایی نداشته باشند. ولی آنان میخواستند قرارداد نفت را تمدید کنند. اساساً یکی از اهدافشان در خصوص پشتیبانی از رضاشاه همین تمدید قرارداد نفت بود.

یوسف افتخاری و یارانش با توجه به نارضایتی و مخالفت عمومی نسبت به این قرارداد، موقعیت را برای اعتراض و در صورت ممکن اعلام اعتصاب عمومی مناسب یافتند. اتحادیه بیانیه ای علیه تمدید قرارداد و

نیز تبعیض های موجود نوشت و در سطح شهر توزیع نمود. پلیس رضا شاهی اما همینقدر "نافرمانی مدنی" را هم تحمل نکرد و فرمان بگیر و ببند نویسندگان بیانیه را صادر کرد. مظنونین از جمله یوسف و رحیم همدانی بازداشت شدند. دستگیری ها نتیجه عکس داد و چونان جرقه عمل نمود؛ اعتصاب آغاز شد.

۱۳ اردیبهشت ۱۳۰۸ کلیه کارگران تصفیه خانه آبادان که عده آنها ۱۴ هزار نفر بود اعتصاب کردند. شرکت نفت برای اینکه اعتصاب به جاهای دیگر به ویژه مسجد سلیمان سرایت نکند فریبکارانه دستور داد به بهانه اینکه عید فرنگی ها است، روز دوشنبه تعطیل شود. (در آن موقع تمرکز کارگران در آبادان و مسجد سلیمان بود، هفتکل و گچساران و غیره از نظر تعداد کارگران چندان مهم نبودند).

اعتصابیون جلو تصفیه خانه ی متمرکز شده، تقاضا میکردند که:

- ۱- کلیه ی محبوسین که به اتهام تشکیل اتحادیه و به جرم مبارزه با ورود سرجان کدمن و مخالفت با مذاکره در خصوص تمدید قرارداد داریس توقیف شده اند آزاد شوند.
 - ۲- به کارگران به قدری حقوق بدهند که تکافوی حداقل معیشتشان را نماید.
 - ۳- کارگران سالی یک ماه مرخصی با استفاده از حقوق داشته باشند.
 - ۴- کلیه جرایم نقدی ملغا گردد.
 - ۵- برای عموم کارگران متاهل و مجرد خانه تهیه شود.
 - ۶- برای ایاب و ذهاب کارگران از منزل به کارخانه و برعکس وسایل نقلیه تهیه شود.
 - ۷- آب آشامیدنی تصفیه شده در دسترس عموم کارگران بگذارند.
 - ۸- اخراج بدون علت کارگران که با میل انگلیسیها انجام میشود موقوف گردد.
 - ۹- موضوع اخراج ابد از کار و لیست سیاه (بلاکلیفی) از بین رفته، کارگران بلا تکلیف به کار گمارده شوند.
 - ۱۰- وضع بیمارستان شرکت اصلاح شود و بایستی کلیه کارگران بیمار به حساب شرکت معالجه شوند.
 - ۱۱- کتک زدن و تعدی و بیاحترامی به کارگران ملغا گردد.
 - ۱۲- آزادی و شخصیت حقوقی اتحادیه ی کارگران به رسمیت شناخته شود.
 - ۱۳- به معلولین که بدون پرداخت دیناری از کار برکنار شده اند نسبت به سنوات خدمت و میزان صدمه ای که دیده اند مبلغی به عنوان خسارت پرداخت گردد.
 - ۱۴- کارگران از حیث حوادث و پیری بیمه شوند.
 - ۱۵- در فصل تابستان ساعت کار از هشت ساعت به هفت ساعت تقلیل یابد.
 - ۱۶- عائله کارگران در مریضخانه ی شرکت بستری و به طور مجانی معالجه شوند.
 - ۱۷- برای جلوگیری از اجحافات و گرانفروشی تجار و به منظور بهبود زندگی کارگران، شرکتی به نام شرکت تعاونی مصرف کارگران با سرمایه کمپانی تاسیس شود که کارگران برآن نظارت داشته باشند.
- مقامات در چشم برهم زدن برای خواباندن "غانله" با خدعه و نیروی سرکوب مقابل کارگران ظاهر گشت. ابتدا حکمران آبادان در صدد برآمد بوسیله دروغپردازی و وعده و وعید از اعتصاب

مروری بر نخستین اعتصاب خونین

کارگران نفت ...

کارگران جلوگیری کند. لیکن یک کارگر جسور و ورزشکار به پشتیبانی جمعیت، پا را از حدود "نافرمانی مدنی" فراتر نهاد و چنان کشیده ای به صورت حاکم نواخت که چرخه خورد و پا به فرار گذاشت. رکن الدین مختاری رئیس شهربانی هم به قصد سخنرانی بالای نیمکت رفت که کارگران نیمکت را از زیر پایش کشیده، با صدای "مرده باد مزدور" از محوطه بیرونش کردند. پلیس از ترس کارگران به عمارت شهربانی پناهنده شده، درب شهربانی را بسته پشت بام سنگربندی کردند. عمارت محقر شهربانی از طرف کارگران محاصره گردید. رییس شهربانی که تا پیش از این ادعای فرعون می کرد، به رهبران کارگران متوسل شده و التماس و استعانه می کرد که از ورود کارگران به شهربانی جلوگیری نمایند.

در این میان خشم و حرارت زنان بمراتب بیش از مردان بود. عده ای از پاسبانان شهربانی از زنان کتک مفصلی خوردند. زنها میخواستند به محرمه رفته، مجسمه رضا شاه کبیر را سرنگون نمایند اما از طرف هیئت اعتصاب دستور دادند که از این عمل خودداری شود.

وقتی پلیس، سرباز و ژاندارم های ایرانی-آریایی حریف کارگران نشدند، رضا شاه "روحش شاد"، علیرغم اعتقاد به تقدس "تمامیت ارضی"، به کشتی های جنگی انگلستان اجازه ورود به "خاک پاک وطن" داد. دیکتاتور هیچ جایی برای اعتراض کارگران به شیوه "نافرمانی مدنی" باقی نگذاشت. شهر صحنه یک جنگ تمام عیار میان قوای سرکوبگر ایران و انگلیس با کارگران و زحمتکشان گردید. بعلاوه، ارادل و اوباش اجیر شده با کارد و قمه و شمشیر به جان مردم افتادند و متقابلاً مردم از زن و مرد با سنگ و چوب و مشت از خود دفاع می کردند. اعتصاب و جنگ سه روز تمام ادامه داشت. بیش از سیصد نفر دستگیر و دهها تن زخمی شدند.

تاریخ جنبش، از پیروزی قوای سرکوبگر در این جدال نابرابر میان کار و سرمایه می گوید. با این همه هیچ مبارزه ای حتی در صورت شکست نیز بدون دستاورد نیست. از جمله فواید این نبرد خونین برای کارگران را موارد زیر برشمرده اند:

- حقوق کارگران از پانزده درصد الی پنجاه درصد اضافه شد.
- کلیه کارگران بیکار در آبادان به کار گمارده شدند.
- عموم بلاک لیستی ها (اخراج شدگان ابد) به کار گمارده شدند.
- کارگران مصدوم و معلول را که بدون پرداخت خسارتی از کار برکنار شده بودند، از اطراف احضار کرده و با پرداخت مبلغی رضایت گرفتند.
- شروع به ساختن مسکن جهت کارگران باسابقه نمودند.
- کتک و بی احترامی و اخراج بدون علت و جرایم کارگران ملغی گردید.
- از طرف اولیای کمپانی به ادارات مربوطه دستور دادند که دقیقاً به عرایض شکایات کارگران رسیدگی کرده و رضایت خاطر آنان را

جلب نمایند.

- عده ای از مهندسين و مأمورین انگلیسی که مورد تفر و انزجار کارگران واقع شده بودند، به زور از کار برکنار شدند.

- تبعیدشدگان در اغلب نقاط ایران مخصوصاً در مازندران و تهران شروع به فعالیت تشکیلاتی کرده نتایج فراوانی از عمل آنان عاید تشکیلات سری کارگران گردید.

- کارگران امیدوار شدند که میتوانند به وسیله مبارزات طبقاتی به اوضاع اسفبارشان بهبودی بخشند.

پایان این مبارزه برای یوسف افتخاری و رحیم همدانی از رهبران و سازماندهندگان اصلی چندان خوشایند نبود، آنها روز پیش از اعتصاب دستگیر و قریب سیزده سال در زندان تحت شکنجه و فشار و تعدی قرار گرفتند.

راستی آیا رضا پهلوی با کارگران اعتصابی سال ۱۳۰۸ به ویژه یوسف و رحیم ابراز همبستگی می کند؟ آیا برای تباه شدن بهترین سال های عمر آنان در زندان های جد بزرگوارش اظهار ندامت می کند؟ خوب است ایشان بدانند کارگران مبارز امروز ادامه دهنده راه همان رهبران هستند.

۱ جولای ۲۰۲۱

پیام دفتر مرکزی حزب حکمتیست

در گذشت رفیق نعیم گروسی نژاد را تسلیت میگوییم



با تأسف عمیق اطلاع یافتیم، روز ۳۰ ژوئن ۲۰۲۱ رفیق نعیم گروسی نژاد کمونیست شناخته شده و محبوب، از اعضای حزب کمونیست ایران و کومه له بعد از مدتی بیماری درگذشت. رفیق نعیم از جمله جوانان انقلابی در شهر سنندج بود که فعالانه در مبارزات و قیام مردم علیه رژیم سلطنتی پهلوی شرکت نمود و از همان هنگام بعنوان یکی از چهره های شناخته شده در سازماندهی شوراهای محلات در شهر سنندج شناخته شد. خصوصیات دلسورانه رفیق نعیم و بویژه نزدیکی با کارگران و زحمتکشان و اعتقاد عمیق به سازماندهی و آگاهگری وی را به چهره ی محبوب بدل نمود.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست درگذشت رفیق نعیم گروسی نژاد را به بستگان، رفقای و همزمانش در حزب کمونیست ایران و کومه له تسلیت می گوید.

زنده باد یاد رفیق نعیم گروسی نژاد

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱ جولای ۲۰۲۱

کابوسی دوباره حکومت طالبان

نادر شریفی

سه شنبه ۸ تیر ۱۴۰۰ برابر با ۲۹ ژوئن ۲۰۲۱ آخرین نیروهای ارتش آلمان، مزار شریف و به این وسیله کل افغانستان را ترک کردند. طبق اخبار تأیید شده قرار است تا آخر سپتامبر امسال همه نیروهای نظامی افغانستان را ترک کنند.



در کنار خروج نیروهای نظامی ناتو، نیروهای سیاه طالبان افغانستان با همکاری طالبان پاکستان، منطقه به منطقه در افغانستان در حال تسخیر دوباره کشور می باشند و بدین ترتیب بدنبال مذاکرات و توافق آمریکا و طالبان، فرزندان ناخلف سرمایه غرب، باری دیگر در پی تدارک زندگی بسیار سیاهتری برای کارگران، زنان و جوانان در افغانستان می باشد.

منابع مختلف دست اندرکار معتقدند که رژیم دست نشانده فعلی بورژوازی غرب مدت زیادی دوام نخواهد آورد و پس از خروج کامل نیروهای نظامی بسرعت سقوط خواهد کرد. این سرنگونی اما نه در راستای اهداف زحمتکشان و کارگران افغانی که در راستای سرکوب مردم توسط ارتجاع تروریستهای اسلامی و برقراری بربریت بیشتر در افغانستان است.

بیست سال از دخالت ناتو و تقریباً ۵۰ سال از دخالت دولتهای منطقه در سرنوشت مردم افغانستان میگذرد. زحمتکشان افغانی نه قبل و نه پس از یورش نظامیان چه "خودی" و چه "غیر خودی" نسیمی از عدالت اجتماعی را نچشیدند و همیشه قربانیان بازی کثیف حکومتهای خواهان سود بیشتر شدند.

زحمتکشان افغان اما در این سالهای بسیار سیاه با دستیابی به تجربیات گرانبهای متوجه شده اند که باید خود در مقابل تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی بایستند، نگذارند زندگی آنان بازچه مزدوران حافظ سرمایه و نیروهای سیاه اسلامی شود و همه آنها را با هر نام و لقبی از زندگی و کاشانه خود دور کنند.

با شکست جمهوری اسلامی، کانون تروریسم در منطقه، اما، نه تنها مردم افغانستان، بلکه زحمتکشان کل منطقه فرصت بزرگی خواهند یافت که نیروهای مزدور و ارتجاع اسلامی را از محیط زندگی و کار خود به عقب برانند، حفاظت نسبی برای کودکان و بخصوص زنان در منطقه بوجود آورند.

انقلاب سوسیالیستی اما، قطعاً ضربه نهائی خواهد بود که دست انگل های سرمایه را، چه با روپوش اسلامی و چه با کراوات بانک جهانی برای همیشه از روی سر مردم منطقه برخواهد داشت.

۱۰ تیر ۱۴۰۰

مردم آزادبخواه گوتنبرگ!
در حمایت از خواستهای کارگران اعتصابی در صنعت نفت و بنروشمی آکسیون همبستگی خواهیم داشت.
شما نیز در حمایت از خواستهای کارگران اعتصابی همراه ما باشید.
زمان شنبه سوم جولای از ساعت ۱۳
مکان: برون نورت گوتنبرگ



تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

Worker-communist Party - Hekmatist

تشکیلات گوتنبرگ حزب حکمتیست

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده

ای را همه جا برپا کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را

برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و

فردا ارگان حاکمیت!

میزگردهای شورای همکاری در باره پیامدهای «انتخابات در ایران» و موقعیت جنبش کارگری



شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست

میزگرد شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

میزگرد اول

پیامدهای «انتخابات در ایران» و موقعیت جنبش کارگری

خسرو بوکانی - حزب کمونیست ایران
عباس سماکار - فعال سیاسی چپ
سیوان کریمی - حزب حکمتیست

جمعه ۲ ژوئیه ۲۰۲۱ ساعت ۱۹ به وقت اروپای مرکزی - ۲۱:۳۰ به وقت تهران

بخش زنده از طریق زووم به آدرس زیر

<https://us02web.zoom.us/j/84090403502?pwd=NGVJeHY5Y29ubVhOdG1zbk1pbHNjZz09>



شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست

میزگرد شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

میزگرد دوم

پیامدهای «انتخابات در ایران» و موقعیت جنبش کارگری

نسرین ابراهیمی سازمان راه کارگر
بهر روز خباز فعال کارگری
حسن بهزاد سازمان فدائیان اقلیت

جمعه ۹ ژوئیه ۲۰۲۱ ساعت ۱۹ به وقت اروپای مرکزی - ۲۱:۳۰ به وقت تهران

بخش زنده از طریق زووم به آدرس زیر

<https://us02web.zoom.us/j/82778458293?pwd=YzNZL2Q3Qm1uR1RENXhKNFJOUklyUT09>

مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!



بنام دوست که هر چه هست از اوست

دوستان و همکاران عزیز
رانندگان زحمتکش و کامیونداران شریف

پیام همبستگی رانندگان حمل و نقل جاده ای از اعتصاب کارگران پیمانی صنایع نفت و پتروشیمی

اعتصاب سراسری کارگران پیمانی صنایع نفت و پتروشیمی در اعتراض به دستمزد پایین و شرایط سخت و طاقت فرسای کاری معیشتی، از روز ۲۹ خرداد آغاز شده و روزانه در حال گسترش است. این اعتصاب در ادامه سلسله اعتراضات اقشار زحمتکش جامعه صورت گرفته و علیه فساد سیستماتیک و چپاول و به هدر دادن سرمایه های عمومی کشور و فقر و تورم و بیکاری ناشی از آن است. ما رانندگان حمل و نقل جاده ضمن حمایت از تمامی خواسته های برحق کارگران پیمانی از کارگران رسمی نیز درخواست مشارکت در این اعتصاب را داریم چرا که همگی یک درد مشترک دارند و همینجا نیز اعلام میکنیم در راستای حمایت از این حرکت اعتراضی اگر به مطالبات این کارگران شریف و زحمتکش رسیدگی نشود و خواسته های برحق آنها برآورده نگردد، ما رانندگان نیز در سراسر کشور به این اعتصاب خواهیم پیوست.

اتحادیه تشکل های کامیونداران و رانندگان سراسرایران

۱۴۰۰-۴-۱۰

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.



زنده باد سوسیالیسم!